

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۶

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال سوم، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۹۳

شاخصه‌های حکومت مهدوی برای تحقق صلح و امنیت جهانی

احسان سامانی*

چکیده

اگرچه بشر از دیرباز به دنبال برقراری صلح و امنیت بوده و در این باره تلاش‌هایی نیز انجام داده، اما هنوز به این هدف دست نیافته است. تحقق صلح و امنیت فراگیر و پایدار، متوقف بر یک سری شرایط اساسی است که تحقق کامل آن‌ها در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام اتفاق خواهد افتاد. این شاخصه‌ها برخی - همچون علم، عصمت، توانایی و صبر و شکیبایی - مربوط به شخص حضرت حجت علیه السلام است و برخی دیگر - وحدت دین، وحدت حاکمیت، اجرای عدالت در ابعاد مختلف آن - مربوط به نحوه حکومت و مدیریت و... و همچنین اولویت‌های ایشان در مقام اجراست و برخی شاخصه‌ها - همچون آمادگی‌های تکنولوژی و ارتباطی، اخلاص و توانمندی یاران و اصحاب - مربوط به جامعه و مردم عصر ظهور است. البته این بدان معنا نیست که ما در عصر پیشاظهار به طور کامل از صلح و امنیت محروم هستیم، بلکه هرچه ما در جهت تحقق این شاخصه‌ها موفق‌تر باشیم به همان اندازه نیز از امنیت و صلح برخوردار خواهیم بود و هرچه از این شاخصه‌ها دورتر شویم، صلح و امنیت نیز کم‌رنگ‌تر و ضعیف‌تر خواهد بود. به عبارت دیگر صلح و امنیت یک مقوله تشکیکی است که مصداق اکمل و

* فارغ‌التحصیل سطح ۴ حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری حقوق خصوصی (esamani63@yahoo.com).

اتم آن در عصر ظهور تحقق خواهد یافت، چون تنها در این عصر تمام این شاخصه‌ها به طور کامل و جامع تحقق خواهند یافت، اما در عصر غیبت نیز به میزان تلاش و موفقیت‌مان در تحقق این شاخصه‌ها، به صلح و امنیت دست خواهیم یافت.

واژگان کلیدی

صلح، امنیت، عدالت، ساختار حکومت، شاخصه‌های حکومت.

مقدمه

جامعه ملل بعد از جنگ جهانی اول، برای ایجاد صلح و امنیت جهانی ایجاد شد، اما در انجام مأموریت خود موفق نبوده و شکست خورد و با وجود این نهاد، جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد. بعد از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد و شورای امنیت تشکیل شد و همان‌گونه که طبق منشور سازمان ملل (فصل ۶ و ۷) نیز به آن تصریح شده، هدف از ایجاد آن‌ها، تأمین صلح جهانی و زندگی مسالمت‌آمیز بوده و هست. اما این نهادها نیز نه تنها نتوانستند صلح جهانی و زندگی مسالمت‌آمیز را تأمین کنند که جنگ‌های متعددی نیز در این دوران اتفاق افتاده و انسان‌های بی‌گناه زیادی کشته شدند. حال باید دید ریشه این اتفاقات چیست؟ آیا این اتفاقات نشان‌گر عدم کارآمدی این نهادها نیست؟ امروزه بین علماء و دانشمندان اتفاق نظر است که ساختار سازمان ملل باید تغییر یابد. حقوق بین‌الملل نیز ضمانت اجرای خود را از دست داده است.

ریشه‌های نا امنی و جنگ را باید در نوع نظام‌های سیاسی جست‌وجو کرد. فقر، جهل و استبداد، ریشه‌های نا امنی و ستم و جنگ و نزاع بین‌المللی است. لیبرال دموکراسی نیز نتوانسته است فقر، جهل و استبداد و جنگ را از بین ببرد. حال پرسش ما این است که بر اساس کدام مدل می‌توان در مقیاس جهانی، ساختار بهتری برای اداره بشریت ارائه نمود. به نظر می‌آید در پاسخ، صلح و امنیت بر پایه عدالت با مقیاس جهانی، تنها در حکومت مهدوی تحقق می‌یابد و این به جهت برخورداری حکومت مهدوی از شاخصه‌های ویژه‌ای است که دیگر حکومت‌ها از آن محرومند. ما در این مقاله برآنیم که به بررسی این شاخصه‌ها بپردازیم. اگرچه این شاخصه‌ها به طور کامل، اختصاص به حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام دارد، اما حکومت‌های اسلامی پیش از ظهور با الگو گرفتن از آن حکومت، می‌توانند به تناسب تلاششان به مراتبی از این شاخصه‌ها رسیده و به همان نسبت صلح و امنیت را برای جوامع خود به

ارمغان آورند.

صلح

صلح اسم مصدر از مصالحه است و در مذکر و مؤنث یکسان به کار برده می‌شود.^۱ ماده «ص ح» در اصل، آن چیزی است که از فساد سالم مانده است، لذا ضد فساد است^۲ و اکثراً در عمل استعمال می‌شود؛ چنان که صحت، غالباً در اجسام استعمال می‌شود و صلاح و فساد نقیض هم هستند؛ لذا هرجا فساد باشد، اصلاح منتفی می‌شود و هرجا اصلاح باشد، فساد از بین می‌رود. همچنین صلاح و سیئه ضد یکدیگرند؛ لذا در یک جا جمع نمی‌شوند؛ اما امکان ارتفاع هر دو وجود دارد.^۳ این واژه در زبان عربی و همچنین ادبیات قدیم پارسی، هم معنای لغت آشتی و به معنای مقابل حرب و جنگ نیز آمده است،^۴ امنیت نیز یکی از معانی صلح دانسته شده است. البته صلح یک مفهوم مطلق نیست و می‌تواند بسته به دیدگاه دینی و فرهنگی تعریف متفاوتی داشته باشد. راغب معتقد است که صلح، مخصوص از بین بردن نفرت از میان مردم است مانند: «الصلح خیر، فاصلحوا بینهما».^۵

امنیت

کلمه امنیت از حیث لغوی، ریشه در واژه «امن» از زبان عربی دارد و به معنی درامان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس، و آرامش خاطر است و شامل دو بعد ایجابی و سلبی است؛ از یک سو بیان گر اطمینان و آرامش فکری و روحی است^۶ و از سوی دیگر بر فقدان خوف،

۱. و الصّلاح بكسر الصاد: المصالحة، و الاسم الصّلح، یدکر و بیؤث (جوهری، ۱۴۱۰: ج ۱، ۳۸۳).

۲. صلح الصاد و اللام و الحاء أصل واحد يدل على خلاف الفساد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ۳۰۳).

۳. فتدلّ علی أنّ الصّلاح لا یجتمع مع الفساد و هكذا الإصلاح و الإفساد یتقابلان و لا تُفسدوا فی الأرض بعد إصلاحها (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۷، ۵۶). وَ اللَّهُ یَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ (همو: ج ۲، ۲۲۰). فالإصلاح ینتفی بتحقّق الإفساد، كما أنّ الإفساد ینعدم بوجود الإصلاح، فالصلاح و الفساد نقیضان. و أمّا الصّلاح و السیئة: فهما ضدّان لا یجتمعان، و قد یرتفعان (همو: ج ۶، ۲۶۶).

۴. صلح: الصّلح: تصالّح القوم بینهم (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۲، ۴۵۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۳، ۱۱۷)؛ الصّلاح: نقیض الطّلاح. و رجل صالح فی نفسه و مُصلح فی أعماله و أموره. و الصّلح: تصالّح القوم بینهم. و أصلخت إلی الدابة: أحسنت إلیها (اصفهان، ۱۴۱۲: ۴۸۹)؛ و الصّلح یرتفع یرتفع یختصّ بإزالة التّفار بین الناس (لغت نامه دهخدا، بازبینی شده در ۱۲ می ۲۰۰۹؛ فرهنگ فارسی معین).

۵. و الصّلح یرتفع یرتفع یختصّ بإزالة التّفار بین الناس (اصفهان، ۴۸۹، ۱۴۱۲).

۶. أمین: زید الأسد (أمناً) و (أمن) منه مثل سلیم منه و زناً و معنی و الأصل أن یستعمل فی شكّون القلب (فیومی، بی تا: ج ۲، ۲۴).

دلهره و نگرانی - که موجب سلب آرامش و اطمینان می‌گردند - نیز دلالت دارد.^۱ پس امنیت عبارت است از آرامش درونی و برونی، که قلمروهای فردی و اجتماعی، فکری و روحی، و اخلاقی و اعتقادی را در بر می‌گیرد (مصلحی، ۱۳۹۲: ج ۱، ۱۳۳).

می‌توان گفت، امنیت در فضای داشته‌ها و خواسته‌های اشخاص مطرح می‌شود. به بیان دیگر امنیت و عدم امنیت از نحوه ارتباط و تعامل بین داشته‌ها (دارایی‌ها و منافع) و خواسته‌ها (اهداف و انتظارات) ناشی می‌شود. و نتیجه این تعامل و ارتباط، رضایت‌مندی و یا نارضایتی آنان است و این سرآغاز و منشأ شکل‌گیری امنیت یا ناامنی است. نارضایتی یا رضایت بر روی اجزای امنیت تأثیر منفی یا مثبت دارد و به تناسب شدت آن می‌تواند کارکرد اجزای امنیت مانند ثبات و نظم را با اختلال روبه‌رو کرده و در نهایت منجر به یک حادثه امنیتی مانند شورش یا جنگ گردد.

در رضایت و نارضایتی، به منزله سرآغاز امنیت و ناامنی، دو عامل محرومیت نسبی - برخورداری، و نابرابری - برابری دارای مهم‌ترین و اصلی‌ترین نقش هستند (خانی، ۱۳۸۵: ش ۳۳). محرومیت نسبی از شکاف میان قدرت با حفظ منافع (داشته‌ها) و کسب اهداف (خواسته‌ها) ناشی می‌شود. حال این محرومیت درک شده، می‌تواند صرفاً یک تصور یا یک حقیقت و یا ترکیبی از آن‌ها باشد. در هر صورت درک محرومیت نسبی (چه ناشی از تصور باشد و یا حقیقت) باعث نارضایتی خواهد شد. البته استراتژی‌های امنیتی در برابر تصور از محرومیت با حقیقت وجود محرومیت باید متفاوت باشد. رضایت‌مندی نیز از انطباق قدرت با حفظ منافع و کسب اهداف ناشی می‌شود و چنان‌چه اشخاص همواره از توانایی لازم جهت حفظ منافع و کسب اهداف برخوردار باشند، رضایت‌مندی حاصل می‌شود.

محرومیت نسبی می‌تواند ناشی از کاهش قدرت در برابر ثابت بودن اهداف و منافع باشد، یعنی آن‌که در عین تغییر نکردن اهداف و منافع در طی یک زمان مشخص، به تدریج توانمندی بازی‌گر در حفظ منافع و اهدافش کاهش یابد. و یا ناشی از حفظ میزان ثابت از توانمندی در برابر افزایش انتظارات باشد چراکه فقدان انطباق میان توانمندی‌ها و انتظارات در نهایت باعث ناکامی در کسب خواسته‌ها و اهداف جدید و به دنبال آن محرومیت خواهد شد.

۱. الأمن: ضد الخوف (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۸، ۲۸۸).

علاوه بر محرومیت نسبی و برخورداری، برابری و نابرابری نیز یکی دیگر از عوامل ظهور رضایت و نارضایتی است. برابری به برخورد مشابه با افراد مشابه و برخورد متفاوت با افرادی که دارای وضعیت متفاوت هستند، اطلاق می‌شود، بنابراین شامل برابری در حوزه فرصت‌ها، تعیین سرنوشت، حقوق اساسی مانند حق حیات، قانون، و مواردی مانند این‌ها می‌شود. البته در این مورد نیز احتمال تصور و یا حقیقت بودن وجود دارد.

وقتی نارضایتی تحقق یافت، با آمدنش امنیت به تدریج کم‌رنگ می‌شود. البته با توجه به شدت و ضعف این نارضایتی، بروز ناامنی در سطوح مختلف و به شکل‌های متفاوت خواهد بود. اولین اثر نارضایتی، سلب امنیت و یا احساس ناامنی در خود شخص، و بعد خانواده و سپس جامعه و کشور است.

برای ایجاد امنیت و یا احساس امنیت باید ریشه‌های ناامنی و یا چنین احساسی خشکانده شود و به نظر می‌رسد. اگرچه در هر جامعه‌ای عده‌ای هستند که به ناحق به دنبال امتیازات و یا ایجاد ناامنی هستند و مقابله با آن، از طریق اقدامات تأمینی و قضایی مناسب و عادلانه صورت می‌گیرد. در حکومت مهدوی به صورت اساسی و ریشه‌ای با پدیده ناامنی مقابله می‌شود، بدین نحو که با توجه به منشأ ناامنی، برخورد متناسب با آن صورت می‌گیرد که در ذیل به جهت وضوح بیشتر در قالب تقسیم ذکر می‌نماییم.

الف) گاهی نارضایتی و در پی آن ناامنی، منشأ حقیقی و واقعی دارد، بدین گونه که یک امر و اتفاق خارجی و واقعی، موجب بروز نارضایتی می‌شود که این امر خارجی یا محرومیت نسبی است، بدین معنا که تعادل میان قدرت و انتظارات وجود ندارد، که این عدم تعادل می‌تواند ناشی از کاهش قدرت در مقابل ثبات انتظارات (مثل تورم و بی‌کاری و...) و یا ناشی از افزایش انتظارات در مقابل ثبات قدرت باشد. روشن است که این مشکلات، ناشی از کم‌کاری و یا عدم تدبیر صحیح و درست و به جای و یا خشکسالی و قحطی و... است. با توجه به روایات، در حکومت مهدوی، بهترین کارگزاران و به طور پیوسته و شبانه روزی در پی تحقق بخشیدن به آرمان‌های حکومت مهدوی هستند. همچنین رشد غیر قابل تصور علم و فناوری، به یقین در زدودن این‌گونه مشکلات نقش مهمی خواهد داشت و چه بسا حتی نزول برکات آسمانی و همچنین خروج گنج‌های زمینی و... همه و یا بخشی از آن در پرتو رشد علمی و تکنولوژی آن دوران باشد؛ یا بی‌عدالتی و نابرابری است: بدین معنا که نارضایتی ناشی از برخورد مشابه با دو فرد متفاوت و یا برخورد متفاوت با دو فرد مشابه است. به عبارت دیگر علت نارضایتی شخص

این است که در جامعه، برخورد ناعادلانه و برخلاف حق صورت می‌گیرد و افرادی به ناحق از حقشان محروم شده و برخی به ناحق، آن امتیاز و یا حق در اختیارشان قرار گرفته است. در این موارد چون نارضایتی و ناامنی ناشی از منشأ خارجی است، باید سیاست‌های مناسب در راستای اصلاح و رفع منشأ خارجی اتخاذ شود که با توجه به روایات برخی از این اقدامات عبارت‌اند از: به کارگیری بهترین و شایسته‌ترین افراد در مناصب حکومتی و قضایی، اجرای عدالت به معنای واقعی در تمام سطوح که به تفصیل بیان خواهیم کرد، نظارت شدید بر کارگزاران و برخورد قاطع با افراد خاطی. همچنین شخصیت امام عصر علیه السلام و ویژگی‌های منحصر به فرد حضرت، دین اسلام با روح رحمانی آن و حاکمیت سیاسی واحد از جمله عواملی هستند که در دفع و رفع این قسم از نارضایتی‌ها و ناامنی‌ها مؤثر هستند که به تفصیل به بیان آن خواهیم پرداخت.

ب) گاهی نارضایتی ناشی از صرف تصور و احساس است، یعنی شخص احساس می‌کند که حقی از او ضایع شده است و یا قدرت از او سلب شده و یا در حق او بی‌عدالتی صورت گرفته است؛ راه کار مناسب برای خشکاندن ریشه‌های ناامنی ناشی از این علت، این است که اولاً به معنای واقعی کلمه، بصیرت و دانش افراد افزایش یابد و ثانیاً جنبه‌های اخلاقی و معنوی جامعه تقویت شود. در روایات نیز به هر دو مورد پرداخته شده است. روایاتی که به کامل شدن عقول و... در عصر حضور امام علیه السلام تصریح نموده، بیان گر این است که در عصر ظهور، سیاست‌های بسیار صحیح و موفقی در جهت رشد علمی و عقلی جامعه اتخاذ می‌شود که موجب رشد عقول به طور همگانی می‌شود و وقتی بصیرت افراد جامعه رشد یافت، حقوق و تکالیف خود را به خوبی خواهند شناخت و سوء تفاهمات در این حوزه به حداقل ممکن تقلیل می‌یابد. همچنین روایات ناظر به رسوخ عدالت به داخل خانه‌ها، نشان گر رشد چشم‌گیر این جامعه در بعد اخلاقی است و جامعه‌ای که در بعد اخلاق چنین رشد یافته است، بدون تردید چنین احساسی در او به طور چشم‌گیری کاهش می‌یابد. علاوه بر این از طریق مبارزه با فقر و مشکلات اقتصادی و همچنین بهبود بخشیدن به وضعیت اقتصادی جامعه با اتخاذ سیاست‌های عادلانه و عالمانه در این خصوص، جلوی احساس چنین نارضایتی گرفته می‌شود.

ج) گاهی نیز در تحقق نارضایتی، هر دو عامل (تصور و حقیقت) دخالت دارند، بدین معنا که اگرچه منشأ خارجی برای نارضایتی وجود دارد ولی تصورات و احساس‌های خلاف واقعی نیز در

شخص ایجاد شده که موجب تشدید آن نارضایتی شده است. که با توجه به دو مسئله قبل، پاسخ این مورد نیز مشخص می‌شود. از آن جا که در ذیل هر یک از شاخصه‌های حکومت مهدوی، به رابطه آن شاخصه به صلح و امنیت خواهیم پرداخت، به همین مختصر توضیح در اینجا بسنده می‌کنیم.

حرکت‌های جهانی در راستای استقرار صلح و امنیت جهانی

از جمله آرزوهای بزرگ بشر از دیرباز ایجاد محیطی امن و عاری از جنگ و ستیز - چه در اجتماع‌های کوچک و چه اجتماع بزرگ جهانی - بوده است. در راستای برآوردن این آرزو در صحنه بین‌المللی، فکر ایجاد نهادی تاثیرگذار برای تنظیم روابط میان کشورها و جلوگیری از نزاع و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات موجود میان آن‌ها از جمله دل‌مشغولی‌های انسان‌ها در عصر جدید بوده است. در ابتدا با تشکیل سازمان‌های عامل و فنی و خدماتی، با وسعت عمل محدود، روند ایجاد و شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی در راستای تأمین امنیت و صلح جهانی آغاز شد. به دنبال آن و با نزدیکی بیشتر ملل و گسترش ارتباطات و لزوم همکاری‌های بیشتر، وسعت عمل و نوع فعالیت سازمان‌های بین‌المللی نیز گسترش یافت، تا این که بعد از جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۲۰ به موجب یک میثاق ۲۶ ماده‌ای، که جزئی از پیمان ورسای بود، جامعه ملل پا به عرصه وجود نهاد. اگرچه از نگاه بنیانگذاران جامعه ملل، هدف اصلی تشکیل این نهاد بین‌المللی فراگیر، همانا ایجاد و حفظ صلح در جهان بود، اما وجود برخی ضعف‌ها و نارسایی‌ها (برخی نارسایی‌های سیاسی، ساختاری و حقوقی نظیر جهانی نبودن، وسعت وظایف شورا، ضعف در ضمانت اجرا و به‌ویژه عدم ممنوعیت جنگ و...) عملاً زمینه انحلال آن را فراهم کرد و سرانجام سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ جایگزین جامعه ملل شد. حدود ۷۰ سال پیش و همزمان با اتمام جنگ جهانی دوم، فاتحان این جنگ که جهان را به خاطر تلاش‌هایشان برای نجات از چنگال نازیسم و فاشیسم، مدیون خود می‌انگاشتند، سازمان ملل متحد را با هدف حفظ و پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی در سایه

۱. اضمحلال جامعه از زمانی شروع شد که بعضی قدرت‌های بزرگ دست به تجاوزهای تازه زدند و جامعه نتوانست در برابر آن‌ها اقدامی کند. ژاپن در ۱۹۳۱ با به راه انداختن دومین جنگ چین و ژاپن از جامعه کناره گرفت و هیتلر در ۱۹۳۳ برای تجدید تسلیحات آلمان آن دولت را از جامعه خارج کرد و پس از آن تجاوزهای آلمان به سرزمین راین و اتریش و چکسلواکی و حمله ایتالیا و حبشه و خروج آن (در ۱۹۳۷) از جامعه، این سازمان بین‌المللی را عملاً مضمحل کرد.

همکاری‌های نهادینه خود تأسیس کردند و در تعیین ساختار اصلی سازمان ملل متحد و ترکیب آن در پی حفظ وضع موجود و نه ایجاد وضع مطلوب بودند. شعار آن‌ها برتری صلح بر عدالت بود. چون بر اساس رهیافت قدرت، تصمیم‌گیری‌های لازم برای پی‌ریزی ساختار نظام آینده بین‌المللی صورت می‌گرفت، از این آزادی عمل برخوردار بودند که ساختار مورد نظر را به گونه‌ای طراحی و شکل‌بندی کنند که حافظ منافع آن‌ها باشد. این رویکرد سبب شد که در توزیع جهانی قدرت، تنها بازیگرانی عهده‌دار نقش اصلی شوند که در آن زمان بالاترین توان نظامی، سیاسی و سپس اقتصادی را برای راهبری نظام جدید بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم دارا بودند. لذا مسئولیت اصلی حفظ صلح به شورای امنیت سازمان ملل سپرده شد که در این رکن، پنج قدرت بزرگ، هم‌دارای عضویت دائمی شدند و هم از حق ویژه و تو برخوردار گردیدند. بدین معنا که دیگر هیچ‌کس نخواهد توانست در برابر خواست آن‌ها و علیه آن‌ها تصمیمی اتخاذ و به اقدامی مبادرت کند.

ناعادلانه بودن مدیریت حاکم بر روابط بین‌المللی، اجزای این سیستم را در وضعیتی بحرانی، چالش برانگیز و ناامن قرار داده است. مادامی که برابری دولت‌ها نادیده گرفته شود و عده‌ای محدود از دولت‌ها به عنوان هیأت رئیسه جهان عمل نمایند، دنیا در وضعیتی ناآرام و پر آشوب - همان‌گونه که وضعیت موجود نیز مؤید آن است - خواهد بود. با در نظر گرفتن جنگ طلبی‌های ابرقدرت‌ها و برخوردهای سلیقه‌ای با خشونت و نمادهای آن، برای عموم و آحاد جامعه بشری شکی باقی نمانده که صلح در عمل، نه برای همگان، بلکه تنها برای برخی‌ها تعقیب و دنبال می‌شود. در چنین افقی، عدالت با حفظ ساختار ناعادلانه بین‌المللی موجود (و همچنین ساختار ناعادلانه موجود در درون دولت‌ها و ملت‌ها) قابل تحقق نیست. چگونه می‌توان صلح را با عدالت همگام ساخت بدون این که سازمان حاکم بر روابط بین‌المللی کنونی، به صورت مناسب دگرگونی یابد!

صلح جهانی آن‌گونه که در رویه سازمان ملل متحد دنبال شده است، جلب نظر موافق قدرت‌ها در خصوص منافع خاص آن‌هاست. از آن‌جا که این منافع، متفاوت و متغیر است، صلح نیز از نظر معنا و مصداق همواره متغیر و ناپایدار بوده است. یکی از آسیب‌های صلح جهانی به همین موضوع یعنی وابستگی مفهوم و مصداق صلح به منافع متغیر نظام بین‌المللی قدرت محور است.

نکته دیگر این است که نظام مدیریت صلح در جهان، هیچ‌گاه احترام به فرهنگ‌ها و ادیان

را درک نکرده است و این علتی اساسی برای وضعیت دوران معاصر است. امروزه صلح کالائی است که بازیگران قدرتمند از تشکیل کنگره وین ۱۸۱۵ به بعد، به صورت نظام مند آن را به مجرای برای به اسارت درآوردن هویت‌ها و فرهنگ‌های دیگر ملت‌ها به کار بسته‌اند؛ معاهده و پیمان نوشته‌اند، به تقسیم جهان و حوزه‌های نفوذ خود پرداخته‌اند و بعد از تشکیل سازمان ملل متحد نیز ساختارهای بین‌المللی را بر همین تفکرهای صلح برگرفته از فرهنگ غرب پایه‌ریزی کرده‌اند.

علاوه بر موارد فوق، رویدادها و فرایندهایی در دنیای معاصر وجود دارند که صلح و عدالت را نشانه رفته‌اند؛ تروریسم، جنگ و درگیری، فقر و بیماری، بی‌ثباتی اقتصادی و مالی و همچنین آپارتاید علمی که نشأت گرفته از همان مدیریت سلطه‌گونه برای این عرصه در جهان هستند، از جمله این موارد هستند. پدیده‌های ضد صلح نظیر تروریسم، جنگ و درگیری، فقر و بیماری، سلطه اقتصادی و مالی (پدیده‌های انسان ساخت) و همچنین ساختارهای غیرمایل یا قاصر از تأمین صلح و امنیت بین‌المللی، وضعیت صلح جهانی را بغرنج کرده‌اند و در این میان، به نظر می‌رسد که آپارتاید علمی و فناوری برای مجموعه دولت‌های به اصطلاح جنوب نیز در همین عرصه جای می‌گیرد.

خلاصه این که اگرچه یک حرکت‌هایی در راستای تأمین صلح و امنیت جهانی (به عنوان یک ضرورت اجتماعی) صورت گرفته است، اما به خاطر وجود برخی ضعف‌ها و اشکالات، نتوانسته است به طور مطلوبی، هدف مورد نظر را برآورده سازد.

شاخصه‌های حکومت مهدوی

آن گونه که از روایات فهمیده می‌شود حکومت حضرت مهدی علیه السلام از یک سری شاخصه‌های اساسی برخوردار است که در پرتو آن‌ها، صلح و امنیت در حکومت ایشان برقرار خواهد شد. در ذیل به تبیین و بررسی این شاخصه‌ها می‌پردازیم.

الف) وارستگی‌های رهبری

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عناصر و مؤلفه‌های یک حکومت، رهبر و رئیس حکومت است. تا جایی که حضرت امیر علیه السلام وجود امیر فاجر را بهتر از نبود امیر و رهبر در جامعه می‌داند.^۱ بدون

۱. قَالَ علیه السلام: ... إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ (شریف رضی، ۸۲: ۱۴۱۴).

شک رهبر یک جریان، نقش محوری و اساسی در موفقیت و یا شکست آن جریان خواهد داشت، البته این بدان معنا نیست که وجود یک رهبر مطلوب در یک جامعه، علت تامه برای موفقیت آن جامعه است چرا که در طول تاریخ بهترین رهبران هم نتوانسته‌اند امت خود را به کمال مادی و معنوی برسانند، بلکه منظور ما این است که رهبر و رئیس، یکی از علل اساسی و به عبارتی جزء العله است یعنی نبود رهبر، به طور قطع مانع از موفقیت یک جریان یا یک حرکت خواهد بود، اما وجود او نیز به تنهایی کافی نیست بلکه یک سری علل دیگر نیز باید در کنار آن وجود داشته باشد.

بدون شک رهبر و پرچمدار یک جریان و حرکت، برای این که بتواند نقش خود را به نحو مطلوب ایفاء کند، باید از یک سری خصائص و ویژگی‌های اساسی برخوردار باشد. حال سؤال این است که چه ویژگی‌ها و خصایصی در وجود مقدس حضرت حجت علیه السلام وجود دارد که ایشان به بهترین شکل نقش خود را در راستای تأمین صلح و امنیت جهانی ایفاء می‌نمایند؟ در ذیل به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌نماییم.

۱. علم و عصمت

همان گونه که قبلاً بیان کردیم امنیت ناشی از رضایت و ناامنی ناشی از نارضایتی احاد جامعه است، و نارضایتی نیز می‌تواند برخاسته از عوامل مختلفی باشد، برخی از این عوامل به خود شخص بر می‌گردد و برخی دیگر به حکومت و حاکمان سیاسی. آن چه که باعث نارضایتی مردم از حاکمان سیاسی می‌شود، گاهی اعمال غیر عادلانه آگاهانه آنان است، یعنی در راستای تأمین منافع شخصی، خانوادگی، حزبی و... از مسیر عدالت خارج شده و مرتکب اعمالی می‌شوند، و این خطر هم قابل توجه است؛ چرا که به تجربه نیز ثابت شده است که هرگاه قدرت و ثروت، در جایی جمع شوند نوعاً فساد آورند، و به همین جهت حقوقدانان، بحث تفکیک قوا (به مجریه، مقننه و قضائیه) را برای محدود کردن قدرت به وسیله قدرت برای جلوگیری از فساد آن مطرح نمودند، البته هستند اندک افرادی خود ساخته که مسلط بر هواهای نفسانی بوده و در این وادی سالم می‌مانند، اما به هر حال خطر زیاد است، چرا که هرآن غفلت، (به جهت برخورداری آنان از قدرت و ثروت) می‌تواند آنان را به وادی انحراف بکشاند.

گاهی نیز نارضایتی مردم ناشی از عملکرد غلط آنان است، به عبارت دیگر گاهی دولتمردان و حاکمان سیاسی، اگرچه به دنبال اتخاذ سیاست‌ها و تصمیماتی هستند که در راستای رشد و

کمال جامعه است اما بعد از مدتی روشن می‌شود که این تصمیمشان، غلط و اشتباه بوده است و علاوه بر عدم النفع، موجب ورود خسارات و صدماتی نیز به جامعه شده است. آن‌گونه که از روایات دانسته می‌شود حضرت حجت علیه السلام از خصائص و ویژگی‌هایی برخوردار است که مانع شکل‌گیری این‌گونه نارضایتی‌ها می‌شود. یکی از بزرگ‌ترین ویژگی‌های حضرت علیه السلام که هیچ رهبری از آن برخوردار نیست، عصمت حضرت علیه السلام است، یعنی پاکی از گناه و اشتباه و نسیان. از این رو حضرت حجت علیه السلام نه عمداً مرتکب اعمال ناعادلانه می‌شود و نه از روی جهل و نسیان و اشتباه. به عبارت دیگر مصائبی که ما با آن مواجه هستیم یا عالمانه و عامدانه است و یا ناشی از جهل و اشتباه و افراط و تفریط. از این رو رهبر یک جامعه اگر از عصمت برخوردار باشد، خود یک عنصر بسیار قوی در جهت حرکت یک جامعه به سمت رشد و کمال و امنیت فراگیر است؛ چرا که چنین شخصی، هم اراده کافی را برای حرکت به این سمت دارد و هم علم و دانش کافی را، و لذا هیچ‌گاه امر برای او در حرکت در این مسیر، مشتبه نمی‌شود. این کارآمدی و ویژگی‌های منحصر به فرد حضرت علیه السلام علاوه بر این که مانع از نارضایتی مردم است، موجب محبوبیت بیش از پیش ایشان نیز خواهد شد، همان‌گونه که در برخی روایات نیز گفته شده است: «مهدی علیه السلام محبوب خلائق است و خدا به وسیله او فتنه را خاموش می‌کند»^۱.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خصوص علم و دانش حضرت علیه السلام می‌فرماید: «همانا او وارث هر دانش و چیره بر آن است»^۲. همچنین در گزارش از مسافرت شگفت‌آمیز آسمانی خود، در ضمن بیان خداوند در باره حضرت بقیه الله علیه السلام می‌فرماید که خداوند متعال فرمود: «... و تنها او را به خواست خود، بر اسرار و پنهانی‌های خویش چیره می‌کنم»^۳.

همچنین امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «... همانا مهدی، از این رو مهدی خوانده شده است که به چیزهایی راهنمایی می‌شود که در دسترس نبوده و مخفی است...»^۴. در ذیل این روایت، دستیابی حضرت به خزائن و گنج‌های زمین مطرح می‌شود که این‌گونه مطالب نیز اشاره به علم و دانش بالای حضرت علیه السلام دارد.

۱. عن كعب، قال قتادة: المهدي... محبوب في الخلائق، يطفئ الله به الفتنة العمياء (ابن طابوس، ۱۴۱۶: ۱۴۵).

۲. أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِهِ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۷، ۲۱۴).

۳. وَ إِيَّاهُ أَظْهَرُ عَلَى الْأَسْرَارِ وَ الصَّمَائِرِ بِإِزَاتِي وَ أَمْدُهُ بِمَلَائِكَتِي لِتُوْبِيْدِهِ عَلَىٰ إِنْقَاذِ أَمْرِي وَ إِعْلَانِ دِينِي ذَلِكَ وَ لِيْلِي حَقًّا وَ مَهْدِيَّ عِبَادِي صِدْقًا (صدوق، ۱۳۷۶: ۶۳۲).

۴. وَ إِنَّمَا سَمِيَ الْمَهْدِيُّ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يُهْدَىٰ إِلَىٰ أَمْرِ حَقِّي (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۷).

امام رضا علیه السلام نیز در مورد حضرت حجت علیه السلام می‌فرماید: «خدایا همانا او بنده توست که او را برای خودت خالص نموده‌ای و بر غیب و پنهانی خویش برگزیده‌ای و از هر گناه دور داشته‌ای و از هر عیب و نقصی در امان قرار داده‌ای و از هر پلیدی پاک نموده‌ای و از هر آلودگی سالم داشته‌ای. خدایا ما در روز قیامت، همان روز حادثه شگفت، شهادت می‌دهیم که همانا او هیچ گناهی مرتکب نشده و خطایی را به جا نیاورده و هیچ طاعت و فرمان‌برداری را ضایع و نابود نکرده و هیچ حرامی را مرتکب نشده و هیچ واجبی را بازگون و هیچ آیین و شریعتی را دگرگون نکرده است»^۱.

۲. توانایی

بدون شک توانایی و قدرت جسمی، در رهبری و هدایت یک جامعه نقشی اساسی و مهم دارد؛ چرا که مدیریت یک اجتماع بزرگ جهانی به نحو مطلوب و در راستای دستیابی به سعادت و کمال دنیوی و اخروی، متوقف بر تلاش مستمر و بی‌وقفه است و چنین تلاش و جدیتی محقق نخواهد شد مگر در سایه توانایی جسمی بالا و اراده قوی. به دیگر سخن، رهبری و هدایت این چنین جامعه جهانی (که قله‌های کمال را باید فتح کنند)، تنها به صرف داشتن علم و دانش و مهارت مقدور و میسر نیست بلکه باید از اراده و توانایی و قدرت جسمی بالایی نیز برخوردار باشد، تا بتواند این جامعه را در راستای دستیابی و نیل به کمالات انسانی و ساختن جهانی ایمن و مرفه - که کاری بسیار بزرگ و دشوار است - مدیریت و رهبری نماید.

مرحوم صدوق در کتاب کمال الدین از ریان بن صلت نقل می‌کند که ایشان می‌گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: آیا صاحب الامر شما هستید؟ فرمود: من صاحب الامر هستم ولی نه آن صاحب امری که زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنان که از ظلم پیر شده باشد چگونه من می‌توانم چنین کسی باشم با این ضعف بدن که در من می‌بینی؟! قائم کسی است که وقتی ظهور می‌کند به سن پیر مردان و به صورت جوانان است، و بدنی نیرومند دارد. به طوری که اگر دست به طرف بزرگ‌ترین درخت روی زمین دراز کند می‌تواند آن را از بیخ بکند. و چنان که در میان کوه‌ها نعره کشد، سنگ‌های سخت از هیبت صدایش خورد شود! عصای موسی و انگشتر

۱. رَوَى يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّ الرَّضَا علیه السلام... فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ اصْطَفَيْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَ عَضَمْتَهُ مِنَ الذَّنُوبِ وَ بَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ خُلُوفِ الظَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ يَذْنِبْ ذَنْبًا وَ لَأَنْتَ خُوبًا وَ لَمْ يَزْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَ لَمْ يَضَعْ لَكَ طَاعَةً وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَ لَمْ يَبْدُلْ لَكَ فَرِيضَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً وَ أَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الظَّاهِرُ الثَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ (طوسی، ۱۴۱: ج ۱، ۴۱۰).

سلیمان با اوست. او چهارمین از فرزندان من است. خدا تا زمانی که مصلحت می‌داند او را از نظرها غایب می‌گرداند آن گاه او را آشکار می‌کند و به وسیله او زمین را پراز عدل و داد کند چنان که پراز ظلم و ستم شده باشد.^۱

همچنین وقتی در حضور امام رضا علیه السلام سخن از وفور نعمت و راحتی در عصر ظهور حضرت حجت علیه السلام گفته می‌شود، حضرت می‌فرمایند: شما امروز آسوده‌تر از آن روز هستید. عرض کردند: چطور؟ فرمود: اگر قائم ما علیه السلام خروج کند به جز لخته‌های خون و عرق ریختن و بر روی زمین‌های اسبان خفتن چیزی نخواهد بود و قائم علیه السلام را به جز جامه درشت بافت و غذای ناگوار نخواهد بود.^۲

این روایت بیان گر تلاش و کوشش پیوسته و شبانه روزی حضرت علیه السلام و همچنین اصحاب ایشان در راستای سعادت دنیوی و اخروی جامعه جهانی است، و انجام چنین اعمالی مستلزم داشتن توان و نیروی جسمی بسیار بالاست. همچنین حضرت علیه السلام در کنار توان جسمی بالا، از اراده‌ای قوی نیز برخوردار بوده و همان‌گونه که امام باقر علیه السلام^۳ نیز می‌فرماید، سخن هیچ کس مانع از حرکت ایشان در مسیر حق و حقیقت نخواهد شد.

۳. صبر و شکیبایی

از آن‌جا که مشکلات و سختی‌های متعدد و طاقت فرسای عصر پیشا ظهور - همچون نا امنی، فقر و مفساد اخلاقی - موجب اضطراب و بی‌اعتمادی مردم به حاکمان می‌شود، هدایت و رهبری چنین جامعه‌ای و رفع مشکلات آن، بدون صبر و سعه صدر بسیار بالا میسر نخواهد بود. به عبارت دیگر چنین جامعه مضطرب و متلاطمی نیازمند یک رهبر و پیشوای صبور و

۱. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِزَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا علیه السلام أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ فَقَالَ أَنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ وَ لِكَيْتِي لَسْتُ بِالَّذِي أَمَلُوهَا عَدْلًا كَمَا مَلَيْتَ جَوْرًا وَ كَيْفَ أَكُونُ ذَلِكَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ ضَعْفِ بَدَنِي وَ إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّبُوحِ وَ مَنْظَرِ الشَّبَّانِ قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَ لَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صُخُورُهَا يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ علیه السلام ذَاكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي يُعْتَبِرُهُ اللَّهُ فِي سِرِّهِ مَا شَاءَ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَيْتَ جَوْرًا وَ ظُلْمًا (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۶).

۲. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانِ الرَّازِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: ذُكِرَ الْقَائِمُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام فَقَالَ أَنْتُمْ الْيَوْمَ أَرْحَى بِلَا مَنُكُم يَوْمِيذٍ قَالُوا وَ كَيْفَ قَالَ لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُنَا علیه السلام لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلْقَى وَ الْعَرْقَى وَ النَّوْمُ عَلَى الشُّرُوجِ وَ مَا لِيَبَاسَ الْقَائِمِ علیه السلام إِلَّا الْعَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِيبُ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۵).

۳. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٍ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا بِالشَّيْفِ لَا يَنْتَتِيْبُ أَحَدًا وَ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَيِّمٍ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۵۴).

شکیبایی است که با آرامش و اطمینان قلب خود، جامعه را از ترس و اضطراب دور کرده و به ساحل امن و آرامش برساند (کیانی، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

علاوه بر این، روایات تصریح دارد به این که رابطه‌ای ناگسستنی بین صبر و ایمان وجود داشته و به تعبیری بقای ایمان متوقف بر وجود صبر است و با تعبیر مختلفی همچون^۱ « صبر در برابر ایمان مانند سر در برابر بدن می‌باشد»، از این حقیقت پنده برداشته شده است. و حضرت حجت^{علیه السلام} علاوه بر این که خود در اوج درجات ایمان است، هدفش رساندن اجتماع بشری به مراحل عالی کمال انسانی و ایمان و اعتقاد راستین است که در پرتو تحقق این هدف بزرگ، صلح و آرامش به معنای واقعی در جامعه جهانی عصر ظهور حاصل خواهد شد. بدون شک انجام این هدف بزرگ بدون برخورداری از مراتب بالای صبر و شکیبایی مقدور و میسر نخواهد بود؛ چرا که به روشنی می‌توان دریافت وقتی رسیدن شخص به ایمان متوقف بر داشتن صبر و شکیبایی است، رساندن دیگران به درجات بالای ایمان که به مراتب کاری دشوارتر است، بدون برخورداری از مراتب بالای حلم و صبر مقدور نخواهد بود.

بنابراین سعه صدر، صبر و کار و تلاش بر مبنای آگاهی، بصیرت و بینایی از جمله ویژگی‌هایی است که امام عصر^{علیه السلام} و همچنین یاران ویژه آن حضرت برای رفع این مشکلات از آن برخوردارند. و در لوحی که از جانب خداوند در زمان ولادت امام حسین^{علیه السلام} بر حضرت فاطمه زهرا^{علیها السلام} نازل شد، این ویژگی حضرت بقیه الله^{علیه السلام} مورد توجه قرار گرفته و حضرت این گونه توصیف شده است: «در او کمال موسی و نورانیت عیسی و شکیبایی ایوب وجود دارد».^۲

ب) عدالت

برای رسیدن به صلح و امنیت سه موضوع انسان، جامعه و جهان با هم در تقابل هستند. اگر انسان برای رسیدن به تکامل تلاش کند، دیری نمی‌پاید که رهبر کامل ظهور خواهد کرد و جهانی کامل را برپا خواهد نمود. صلح و امنیت از عدالت منتج می‌شود و هنگامی که می‌گوییم جامعه ایده آل جامعه‌ای است که بر پایه صلح بنا شده باشد، منظور این است که هر چیز درست

۱. وَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ الرَّأْسُ الصَّبْرُ الْبَلَاءُ وَ مَا يَعْظُمُهَا إِلَّا الْعَامِلُونَ (امام صادق^{علیه السلام}، ۱۴۰۰: ۱۸۵)؛ وَ اعْلَمُوا أَنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَآرَأْسَ لَهُ (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۱، ۳۱۵)؛ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ^{علیه السلام} قَالَ: الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا إِيْمَانُ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۸۹)؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ^{علیه السلام} قَالَ: الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيْمَانُ (همو: ۸۷).

۲. عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى، وَ تَهَاءُ عِيسَى، وَ صَبْرُ أَيُّوبَ... (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ۶۸۶).

در جای خود قرار گیرد. در این صورت طبیعتاً صلح از راه می‌رسد. صلح می‌تواند از ارتباط مقدس این سه موضوع با هم حاصل شود. انسان فنا ناپذیر و کاملی که با خود در صلح و آشتی است، صلح و آشتی را به جامعه می‌آورد و در نتیجه جامعه کامل، ظهور رهبر کامل را به ارمغان خواهد آورد که پایه گذار صلح جهانی خواهد بود (حسینی، بی تا: ۱۷۶).

البته مقصود این نیست که صلح به معنای واقعی قبل از ظهور اتفاق می‌افتد، بلکه منظور این است که بشر به مرحله‌ای می‌رسد که اهمیت صلح و امنیت را به معنای واقعی می‌داند و این مسئله به یک دغدغه عمومی تبدیل می‌شود و حرکت‌هایی هم به این سمت صورت می‌گیرد و به عبارت دیگر زمینه برای تحقق صلح و امنیت فراگیر فراهم می‌شود، آن وقت با ظهور حضرت حجت علیه السلام این خواست و حرکت، به سرانجام می‌رسد.

از عدالت تک تک افراد است که صلح جهانی زاده می‌شود (اسد، بی تا: ۱۷۷). به عبارت دیگر صلح و امنیت در مقیاس جهانی چیزی نیست که یک دفعه و بی‌ربط حاصل شود، بلکه نیاز به مقدماتی دارد که از قبل باید تحقق یافته باشد. قبل از تحقق صلح باید عدالت تحقق یابد و قبل از صلح جهانی صلح خانوادگی و قبل از صلح خانوادگی صلح فردی باید محقق شود. چرا که این حرکت از بالا به پایین صورت نمی‌گیرد بلکه از پایین به بالا شکل می‌گیرد. حرکتی تدریجی است که به تدریج به کلیت و شمول جهانی می‌رسد.

عدالت اجتماعی در حکومت مهدوی، در عدالت اقتصادی، رفع فقر و تبعیض اقتصادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه عدالت اجتماعی شامل چهار بُعد و عرصه خواهد شد و اتفاقاً اقامه قسط اقتصادی در آن حکومت، بُعد تبعی عدالت اجتماعی است. در حکومت مهدوی، از تمام طبقات اجتماع در چهار بُعد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و قضایی، فقرزدایی خواهد شد که این فقرزدایی راه تحقق عدالت اجتماعی است. در واقع، عدالت اجتماعی همان جنبه ایجابی فقرزدایی است. همچنین مقتضای عدالت به معنای واقعی این است که در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی جریان پیدا کند، همچنین بیان گر این حقیقت نیز است که به هریک از این مؤلفه‌ها و شاخصه‌ها، به اندازه اهمیتش بهاء داده می‌شود و بحث تقدم و تأخر و اهم و مهم نیز رعایت می‌شود. در ذیل به طور مختصر به تبیین هریک از این چهار بعد عدالت می‌پردازیم.

۱. عدالت سیاسی

آن‌گاه که به تمدن غرب نگاه می‌افکنیم ظاهرش این است که اقتصاد و سرمایه داران نقش اصلی را در سیاست بازی می‌کنند؛ یعنی اقتصاد و ثروت، توزیع‌کننده مناصب اجتماعی است؛ اما با نگاهی ژرف‌تر می‌توان گفت سیاست نقش اصلی را دارد و قدرت تسخیر و غصب مناصب اجتماعی، باعث جذب ثروت و امکانات به طرف آن‌ها می‌شود و حداقل این است که بین چپاول ثروت و تسخیر قدرت، تعاملی وجود دارد.

برخلاف تمدن غربی، در جامعه مهدوی و موعود که یکی از اهداف مهمشان اجرای عدالت است، توزیع عادلانه مناصب اجتماعی در رأس قرار می‌گیرد و به عنوان بُعد اصلی عدالت مطرح می‌شود. در این جامعه، مناصب و اختیارات اجتماعی بر اساس میزان تقرب اشخاص به خدا و همچنین توانایی و تخصص آنان تقسیم می‌شود. در چنین جامعه‌ای چون قرار است انسان به سعادت برسد مقرب‌ترین انسان‌ها که توانایی ساختن جامعه مقربان را دارند، در قله مناصب اجتماعی قرار می‌گیرند و جامعه مهدوی، مصداق تامّ آیه شریفه: «... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُم» می‌گردد که با تقواترین‌ها به کرامت دنیا و آخرت می‌رسند و مستضعفان، ائمه و پیشوایان این جامعه می‌شوند.

می‌توان گفت عدالت سیاسی، دارای نقشی مهم و اساسی است؛ زیرا با اجرای عدالت در بعد سیاسی، زمینه برای اجرای عدالت در دیگر زمینه‌ها نیز فراهم می‌شود. وقتی بهترین گزینه‌ها از لحاظ تعهد و تخصص، برای مناصب حکومتی انتخاب شوند، یقیناً سیاست‌های حکومت حضرت ولی عصر^{علیه السلام} نیز که رساندن جامعه جهانی به کمال و سعادت و برقراری عدالت و صلح و امنیت است، به بهترین شکل ممکن تحقق خواهد یافت. به عبارت دیگر حاکمان و مسئولین حکومتی نقشی مهم و اساسی در پرورش و بالندگی فرهنگی، اقتصادی و حتی قضایی جامعه دارند، و وقتی آنان از بالاترین تعهد و تخصص برخوردار باشند، می‌توانند موجبات رشد و کمال جامعه جامعه را در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و همچنین قضایی فراهم کنند. لذا در حکومت حضرت حجت^{علیه السلام} به این بُعد از عدالت توجه ویژه‌ای می‌شود و بهترین و پاک‌ترین اشخاص در طول تاریخ، عهده دار مناصب سیاسی شده و این وظیفه مهم و خطیر را به عهده می‌گیرند.

اما صادق^{علیه السلام} می‌فرماید: «قائم آل محمد^{علیهم السلام} بیست و پنج نفر از قوم موسی که حکم به حق و عدالت می‌کنند، و هفت نفر اصحاب کهف و یوشع وصی حضرت موسی و مؤمن

آل فرعون و سلمان فارسی و ابو دجانة انصاری و مالک اشتر را از پشت کعبه (خانه خدا) بیرون می‌آورد».^۱

حضرت علیه السلام در خصوص یاران حضرت صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید:

.... یاران مهدی، مردانی اند پولاد دل، و همه وجودشان یقین به خدا، مردانی سخت‌تر از صخره‌ها. اگر به کوه‌ها روی آرند، آن را از جای برکنند... برای تبرک، دست خود را به زمین اسب امام می‌کشند و بدین سان تبرک می‌طلبند. آنان او را در میان می‌گیرند و جان خویش را در جنگ‌ها پناه او می‌سازند و هر چه را اشاره کند با جان و دل انجام می‌دهند. در میانشان مردانی اند که شب هنگام نخوابند و زمزمه قرآن و مناجات خویش، چون صدای زنبوران عسل، در هم اندازند و تا بامداد به عبادت خدا بایستند و بامدادان سوار بر مرکب‌ها باشند. آنان زاهدان شب و شیران روزند. آن‌ها در فرمانبرداری از امام صلی الله علیه و آله بیش از کنیز نسبت به آقا پیش پافشاری دارند...^۲

همچنین روایاتی نیز داریم که اشاره به علم و دانش و تخصص آنان دارد، از جمله روایت ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام است که ایشان در وصف یاران حضرت صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

... این عده‌ای که قائم صلی الله علیه و آله در میان آن‌ها می‌آید از نجباء و فقهاء و حکام و قاضیانی هستند که مهدی صلی الله علیه و آله بر شکم و پشت‌هایشان دست خواهد کشید، و از آن پس هیچ حکمی بر آن‌ها ناشناخته نخواهد ماند.^۳

این روایت علاوه بر این که بیان گر این مطلب است که یاران و اصحاب ویژه حضرت صلی الله علیه و آله - که همان حاکمان و صاحب منصبان هستند- از علم و دانش بالایی برخوردار هستند، این مطلب را نیز بیان می‌کند که علم و دانش و تخصص آنان به واسطه حضرت صلی الله علیه و آله کامل می‌شود به نحوی که هیچ حکمی بر آنان مجهول و ناشناخته نخواهد بود.

نتیجه این که والیان و صاحبان مناصب در حکومت مهدوی صلی الله علیه و آله هم از لحاظ تقوی و ایمان

۱. رَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَخْرُجُ إِلَى الْقَائِمِ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَغْدِلُونَ وَ سَبْعَةٌ مِنْ أَصْحَابِ الْكَهْفِ وَ يُوَسِّعُ بَنُ نُونٍ وَ سَلْمَانٌ وَ أَبُو دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيُّ وَ الْمُقَدَّادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ مَالِكُ الْأَشْتَرُ فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَاراً وَ حُكَّاماً (طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۶۴).

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.... رَجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ رُزْبُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا... يَتَمَسَّحُونَ بِسَرْجِ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَاتِ وَ يَخْفُونَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْخُرُوبِ وَ يَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ فِيهِمْ رَجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيُّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّخْلِ تَبِيثُونَ قِيَاماً عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يُضَبِّحُونَ عَلَى حُيُولِهِمْ زُهْبَانَ بِاللَّيْلِ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا... (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲، ۳۰۷).

۳. ... بلی و لكن هذه العدة التي يخرج فيها القائم، و هم النجباء، و هم الفقهاء، و هم الحكماء، و هم القضاة الذين يمسح بطونهم و ظهورهم فلا يشكل عليهم حكم (ابن طاوس، ۱۴۱۶: ۲۸۰).

و هم از لحاظ علم و دانش در بالاترین نقطه هستند و نیروهایی اینچنین خودساخته و صالح، حضرت علیه السلام را در اجرای عدالت و اصلاح و رشد و تعالی جامعه یاری کرده و زمینه را برای تحقق صلح و امنیت در جامعه جهانی فراهم می‌کنند و بدون تردید اگر یاران حضرت علیه السلام خودساخته و صالح نبودند، نه تنها کمکی به اصلاح جامعه نمی‌کردند که تشدید در افساد نیز از جانب آنان محتمل بود و اجرای عدالت در دیگر ابعاد نیز با مشکل روبه‌رو می‌شد. همان‌گونه که شاعر نیز می‌گوید:

ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش؟

۲. عدالت علمی و فرهنگی

یکی از ابعاد عدالت مهدوی، فراهم شدن امکان رشد و اعتلای فرهنگی و آموزشی برای آحاد جامعه است. در زمان حضرت، عقل‌ها کانون واحد می‌یابد و همه به مقتضای توانایی خود از دانش و معرفت خوشه می‌چینند و حکمت می‌آموزند تا بتوانند آهنگ پرستش و عبودیت و فضائل اخلاقی کنند. در عصر ظهور اگرچه نِعَم مادی در دار دنیا فراوان است، اما با این حال مفهوم لذت، نیاز، کمال و ابتهاج تغییر می‌کند و این‌ها در راستای قرب و کمال شکل می‌گیرند.

بدون شک رشد علمی و فرهنگی اجتماع که به دنبال عدالت علمی و فرهنگی حاصل می‌شود، تأثیر بسیار زیادی در تأمین صلح و امنیت دارد. همان‌گونه که قبلاً بیان شد، یکی از علل نا امنی، جهل و ضعف فرهنگی است، بدین شکل که جهل و ضعف فرهنگی موجبات نارضایتی را در افراد ایجاد کرده و به نسبت شدت این نارضایتی، اختلاف و درگیری و نا امنی در جامعه پدیدار خواهد شد. رشد علمی و فرهنگی فراگیر که در سایه عدالت علمی و فرهنگی حاصل می‌شود، جهل و ضعف فرهنگی را که ریشه‌های نا امنی هستند می‌خشکاند و زمینه را برای صلح و امنیت پایدار فراهم می‌کند.

در روایتی از امام باقر علیه السلام در مورد رشد خرد و کانون یافتن عقول این‌گونه آمده است:

هنگامی که قائم ما قیام کند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد پس عقولشان را جمع کند و (تا پیروی هوس نکنند و با یک دیگر اختلاف نوزند) و در نتیجه خردشان کامل شود (متانت و خود نگهداری‌شان کامل شود).^۱

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَعْلَامَهُمْ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲، ۳۲۸).

همچنین در جایی دیگر می‌فرماید:

... و اکمل به اخلاقهم؛ و اخلاق بندگان را کامل می‌کند.^۱

در روایتی در مورد همگانی شدن دانش و معرفت در عصر ظهور نیز چنین آمده است:

... در زمان وی چنان حکمت و علوم دین از طرف خداوند داده شود که زن در خانه‌اش

مطابق کتاب (قرآن) و دستور پیغمبر اکرم ﷺ حکم کند.^۲

آنچه که از این روایات برداشت می‌شود این است که در جامعه مهدوی، علاوه بر دانش و آگاهی، اخلاق و فرهنگ عمومی نیز رشد و تعالی یافته و علم و دانش ملاک و مبنای عملشان قرار می‌گیرد، و می‌توان گفت در آن دوران، به صورت ریشه‌ای با پدیده ناامنی و اختلاف مبارزه می‌شود؛ چرا که جهل و مشکلات اخلاقی، نقشی اساسی در ایجاد ناامنی و خطری مهم برای صلح هستند. به عبارت دیگر مبارزه با جهل و مشکلات اخلاقی و تلاش در جهت تعالی علمی و اخلاقی احاد جامعه، بهترین و اساسی‌ترین روش مبارزه با ناامنی و اختلاف و جنگ است.

۳. عدالت اقتصادی

یکی از ابعاد مهم عدالت که در حکومت مهدوی تحقق خواهد یافت، عدالت اقتصادی است که این بُعد از عدالت می‌تواند حتی بر دیگر ابعاد عدالت تأثیر بگذارد. به عنوان مثال عدالت علمی و فرهنگی در صورتی به طور کامل تحقق خواهد یافت که در جامعه عدالت اقتصادی وجود داشته باشد؛ چرا که شرایط اقتصادی می‌تواند تأثیر زیادی در ایجاد زمینه برای تعالی علمی و فرهنگی عادلانه داشته باشد. علاوه بر این خیلی از نارضایتی‌ها که موجب ناامنی می‌شوند، ناشی از بی‌عدالتی اقتصادی است، و با اجرای عدالت اقتصادی، این‌گونه نارضایتی‌ها از بین خواهند رفت و زمینه برای تحقق صلح و امنیت پایدار فراهم می‌شود.

پیغمبر خدا ﷺ می‌فرماید:

اگر از عمر دنیا جز یک شب نماند، خداوند آن شب را چندان دراز گرداند تا مردی از

اهل بیت من به سلطنت رسد که نامش نام من و نام پدرش نام پدر من است و او زمین را

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ... وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ (همو: ۳۳۶).

۲. عَنْ خُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: وَتُوتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّىٰ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۹).

پراز عدل و داد کند... اموال را بالسویه میان مردم تقسیم کند و خداوند دل‌های امت مرا بی‌نیاز گرداند...^۱

در روایتی دیگر بیان شده است که حضرت علیه السلام «رأفت و رحمت را بین مردم می‌افکند. پس نسبت به یکدیگر موااسات می‌کنند و مال را به تساوی تقسیم می‌کنند. بدین سبب، فقیر بی‌نیاز می‌شود و کسی برتر از دیگری (در مال) قرار نمی‌گیرد».^۲

عدالت اقتصادی و در نتیجه آن، عمران و آبادانی زمین در جامعه مهدوی به گونه‌ای برقرار می‌شود که صاحبان زکات و حقوق واجب و حقوق مستحب، کسی را نمی‌یابند تا به او زکات یا صدقه بدهند.^۳

۴. عدالت قضایی

یکی دیگر از ابعاد عدالت، عدالت قضایی است. این بُعد از عدالت تأثیر مستقیم بر صلح و امنیت دارد. بدین شکل که وظیفه اصلی دستگاه قضاء، حمایت و دفاع از مظلومان و همچنین مبارزه با نا امنی و ظلم و تجاوز افراد شرور و متجاوز است. حال اگر این دستگاه به طور صحیح و عادلانه به وظیفه خود عمل کند، از طرفی موجب رضایت عموم مردم خواهد شد و از طرف دیگر جلوی نا امنی آن عده اندک متجاوز را نیز خواهد گرفت و در نتیجه زمینه برای صلح و امنیت را فراهم می‌آورد. اما اگر به وظیفه و مأموریت خود به درستی عمل نکند علاوه بر این که جلوی نا امنی و تجاوز متجاوزان را نخواهد گرفت، با عملکرد نادرست خود موجبات نارضایتی عموم مردم را نیز فراهم می‌آورد و در نتیجه نا امنی مضاعف به بار خواهد آورد.

آن گونه که روایات دلالت دارند این عدالت قضایی به معنای حقیقی در حکومت حضرت حجت علیه السلام، تحقق خواهد یافت. در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

زمانی که قائم آل محمد علیه السلام به پا خیزد، در میان مردم به حکم داوود علیه السلام قضاوت خواهد

۱. عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لو لم يبق من الدنيا إلا ليلة لَطَوَّلَ اللهُ تلك الليلة حتى يملك رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي و اسم أبيه اسم أبي يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً و يقتسم المال بالسوية و يجعل الله العنتى فى قلوب هذه الأمة فيملك سبعا أو تسعا لا خير فى عيش الحياة بعد المهدي (اربلى، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۷۴).

۲. و ألقى الرافة و الرخمة بينهم فيتواسون و يقتسمون بالسوية فيستغنى الفقير و لا تغلو بغصهم بعضاً و يزحم الكبير الصغير و يوقر الصغير الكبير و يديبون بالحق و به يعدلون و يحكمون... (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۸۵).

۳. فجيتتد نظهر الأرض كُنوزها و تبدى بركاتها و لا يجد الرجل منكُم يومئذ مَوْضِعاً لصدقته و لا يبره لشمول العنتى جميع المؤمنين... (همو: ۳۳۹).

نمود. او به بی‌تنبه و شاهد نیازی نخواهد داشت؛ زیرا خداوند تعالی امور را به وی الهام می‌کند و او بر پایه دانش خود داوری می‌کند و هر قومی را به آن چه پنهان داشته‌اند آگاه می‌سازد.^۱

همچنین برخی روایات از جمله حدیث «مهدی علیه السلام مال را می‌بخشد و بر عمال خود سخت‌گیری می‌کند (که مال را تلف نکنند) و با افراد مسکین مهربان خواهد بود»،^۲ بیان‌گر این است که برخورد حضرت مهدی علیه السلام با عمال و مسئولین حکومتی شدیدتر و سختگیرانه‌تر از دیگر افراد جامعه است و این یک مسئله مهمی است چراکه خیلی از مفاسد از طریق دستگاه‌های حکومتی و یا با همکاری آنان صورت می‌گیرد، لذا در صورتی که برخورد با آن شدیدتر باشد، یقیناً بازدارندگی بیشتری خواهد داشت. علاوه بر این که عملکرد دولتمردان تأثیر فراوانی روی عموم مردم خواهد داشت و فساد آن‌ها موجب فساد مردم و پاک‌سازی آنان موجب پاک‌سازی مردم می‌شود، لذا شایسته است که توجه و نظارت ویژه‌ای روی آنان باشد و برخورد با آنان نیز شدیدتر از برخورد با عموم مردم باشد.

ج) رشد فکری و فرهنگی عمومی (همگامی و هم‌دلی مردم با حاکم)

بدون شک «مردم» نقشی اساسی در برقراری و استقرار یک حکومت عادلانه دارند و بدون این که آنان نقش خود را به نحو شایسته ایفا کنند، و لو این که بهترین و شایسته‌ترین رهبر هم بر آنان حکمرانی کند، چنین حکومتی تحقق نخواهد یافت، همان‌گونه که در حکومت‌های نبوی و علوی نیز به همین علت، شاهد چنین حکومتی نبودیم. حال یکی از شرایط لازم برای این که مردم بتوانند از عهده انجام چنین وظیفه‌ای برآیند، رشد فکری و فرهنگی آنان است. به عبارت دیگر باید یک بصیرت عمومی در جامعه شکل گرفته باشد. در جامعه مهدوی، عموم مردم از لحاظ فکری و عقلی و همچنین اخلاقی در سطح بالایی قرار دارند و علاوه بر آن با اجرای عدالت که در قسمت قبلی بیان شد، این توانایی عقلی و اخلاقی عموم مردم، رشد روز افزون می‌یابد.

۱. وَ رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمٌ أَلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَخْتَانُ إِلَى بَيْتِنَا يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَ يُخَيِّرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ وَ يَعْرِفُ وِلِيَّهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ قَالَ اللَّهُ شُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَ إِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ (مفید، ۱۴۱۳: ۳۸۶).

۲. حدیثی عبد الله بن الحسين، قال: حدیثنا الهیثم عن شریک عن لیث عن طاوس، قال: المهدی سَمَحَ بِالْمَالِ شَدِيدٍ عَلَى الْعَمَّالِ رَحِيمٍ بِالْمَسَاكِينِ (ابن طاوس، ۱۴۱۶: ۳۲۵).

رابطه کمال عقل با صلح و امنیت روشن است، و هیچ کس نمی‌تواند منکر نقش اساسی عقل در تحقق صلح و امنیت شود؛ چرا که علت ایجاد بسیاری از نزاع‌ها و اختلافات، جهل و ناآگاهی و یا عملکرد جاهلانه و غیر عاقلانه حد اقل یکی از طرفین نزاع است. عقل به حدی مهم است که در روایات می‌گویند انسان عاقل و لو این که دشمن باشد، بهتر است از انسان جاهلی که دوست باشد.^۱ و در مثل معروف «چون عقل در بدن نباشد جان در عذاب است»، نیز نبود عقل، موجب عذاب و سلب آرامش دانسته شده است.

در روایات متعددی به این بحث پرداخته شده و تصریح شده است که در حکومت حضرت حجت علیه السلام، عقول انسان‌ها کامل می‌شود و علم که ابزاری برای تعقل است، به نهایت اوج خود می‌رسد. به عنوان نمونه ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده که ایشان فرمودند: علم بیست و هفت حرف است. آن چه پیغمبران آورده‌اند دو حرف است و مردم هم تاکنون بیش از آن دو حرف ندانسته‌اند، پس موقعی که قائم ما قیام می‌کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می‌آورد و آن را در میان مردم منتشر می‌سازد و آن دو حرف را هم به آن‌ها ضمیمه نموده تا آن که بیست و هفت حرف خواهد شد.^۲

از مجموع این روایات به دست می‌آید که علم، دانش، عقل و همچنین اخلاق انسان‌ها در سایه حکومت عدل حضرت حجت علیه السلام و هدایت‌های ایشان تکامل یافته و این تکامل همه جانبه انسان، زمینه ساز صلح و امنیت پررنگ‌تر و پایدار خواهد شد.

د) وحدت دین و حاکمیت

بدون تردید اختلافات مذهبی با یک نظام توحیدی در تمام زمینه‌ها، سازگار نیست؛ زیرا همین اختلاف برای برهم زدن هر نوع وحدت کافی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۸۸-۲۹۰). به عکس، یکی از عوامل مهم وحدت، وحدت دین و مذهب است که می‌تواند مافوق همه اختلاف‌ها باشد، و نژادها و زبان‌ها و ملیت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون را در خود گردآوری و از آن‌ها جامعه واحدی بسازد که همگان در آن همچون برادران و خواهران باشند. همان‌گونه

۱. عدو عاقل خیر من صدیق جاهل (طبرسی، ۱۳۸۴: ۸۶)؛ کن بعدوک العاقل اوثق منك بصدیقک الجاهل (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۳۱)؛ استشر عدوک العاقل و احذر رأی صدیقک الجاهل (همو، ۱۴۱۰: ۱۴۹).

۲. موسی بن عمیر عن ابن محبوب عن صالح بن حمزة عن ابان عن ابي عبد الله علیه السلام قال العلم سبعة وعشرون حرفاً فجميع ما جاء في الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً فبثها في الناس وصم إليها الحرفين حتى يبثها سبعة وعشرين حرفاً (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲ ج ۳، ۲۳۶).

که قرآن نیز می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات: ۱۰).

به همین دلیل، یکی از برنامه‌های اساسی آن مصلح و انقلابی بزرگ، توحید صفوف در سایه توحید مذهب، است. ولی نباید تردید به خود راه داد که این توحید نه ممکن است اجباری باشد؛ و نه اگر امکان اجبار در آن بود، منطقی بود اجباری شود. مذهب با قلب و روح آدمی سر و کار دارد و می‌دانیم قلب و روح از قلمرو زور و اجبار بیرون است؛ و دست کسی به حریم آن دراز نمی‌شود.

با این همه نمی‌توان گفت که اقلیت‌های کوچکی از پیروان ادیان آسمانی دیگر مطلقاً وجود نخواهد داشت چرا که انسان دارای آزادی اراده است و اجباری در چنین نظام حکومتی در کار نیست؛ و امکان دارد افرادی بر اثر اشتباه یا تعصب بر عقیده پیشین باقی بمانند، هرچند با توجه به کمال عقول در آن عصر، اکثریت گرایش به نظام توحیدی اسلام پیدا خواهند کرد، و این یک امر طبیعی است.

برخی روایات اشاره به این حقیقت دارد که از جمله آن‌ها روایت منقول از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که ایشان می‌فرماید:

... به خدایی که جانم در قبضه قدرت اوست، هیچ آبادی نخواهد ماند مگر آن که در آن جا هر صبحگاهان و شامگاهان، به یکتایی خداوند و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم شهادت داده خواهد شد.^۱

در روایتی دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

مهدی این امت از ماست؛ در وقتی که دنیا هرج و مرج شود، و آشوب‌ها ظاهر گردد، و راه‌ها بسته شود و مردم یک دیگر را غارت کنند. بطوری که نه بزرگ بر کوچک رحم کند و نه کوچک احترام بزرگ را نگاهدارد. در آن موقع خداوند مهدی ما را که نهمین (امام) از نسل حسین است می‌فرستد تا دژهای گمراهی و دل‌های مهر شده را بگشاید، او در آخر الزمان دین را پایدار می‌کند، چنان که من در اول زمان آن، اساس آن را پایدار ساختم و زمین را پر از عدل و داد می‌کند.^۲

۱. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ الْآيَةَ أَلْظَهَرَ ذَلِكَ بَعْدَ كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْبَةً إِلَّا وَ نُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بُكْرَةً وَعَشِيًّا (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۶۰).

۲. مِنَّا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَمَرْجًا وَ تَطَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَ تَقَطَّعَتِ السُّبُلُ وَ أَعَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرٌ يَرْحَمُ صَغِيرًا وَ لَا صَغِيرٌ يُوقِرُ كَبِيرًا فَيَنْعَثُ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِيْنَا التَّاسِعَ مِنْ صُلْبِ الْخُسَيْنِ يَفْتَحُ خُصُونَ الصَّلَاةِ وَ قُلُوبًا غَفْلًا يَقُومُ فِي الدِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُمْتُ بِهِ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ

آن چه که از این روایات می‌توان استفاده کرد این است که آن دینی که در عصر حضور، حاکم بوده و رسمیت دارد و بر اساس آن امور جامعه اداره می‌شود، دین اسلام است هر چند اقلیت‌هایی از ادیان دیگر در این جامعه بزرگ و جهانی اسلامی ممکن است وجود داشته باشند، به عبارت دیگر با همان اقلیت‌ها هم در احکام اجتماعی طبق دستورات دین اسلام برخورد خواهد شد.

اما روایاتی که می‌گوید حضرت ﷺ بین اهل تورات بر اساس تورات و بین اهل انجیل بر اساس انجیل ... قضاوت و حکم می‌کند، اولاً مقصود، اجرای احکام کلی و مهمی است که در این کتاب‌ها آمده است، نه تحقق همه جزئیات آن‌ها؛ زیرا در این کتاب‌ها، احکامی وجود دارد که برآمده از درک مشخصی از عدل و قانون در شکل کلی آن است، به طوری که برخی از موارد آن، باید در همه جوامع بشری پیاده گردد و از آن رو که در همه آئین‌های غیر محرف آسمانی، درک یکسانی از عدالت و قانون وجود دارد، در نتیجه احکام اصلی و مشترک در بین آن ادیان، با یکدیگر جز در حدود شرایط عصر هر پیامبری، اختلاف ندارند. به دلیل آن که این درک عمومی از عدالت و قانون به شکلی عمیق و گسترده‌تر در دولت جهانی نیز وجود دارد، کاملاً منطقی خواهد بود که آن احکام اساسی و مشترک که برآمده از درک یکسان ادیان از عدالت و قانون است، در آن دولت نیز اجرا گردد.

همچنین ممکن است مقصود این باشد که احکام تورات و انجیل تنها در حق مؤمنان به آن‌ها اجرا می‌گردد و البته آن‌ها موظفند سایر قوانین و نظام‌های دینی دولت جهانی مهدوی را نیز رعایت نمایند. و در موارد اختلاف بین قوانین دولت جهانی و احکام کتاب‌های آسمانی، حاکم عادل اختیار دارد بر اساس یکی از آن دو نظر دهد. فقیهان مسلمان نیز در این گونه موارد با استفاده از قرآن کریم چنین فتوا می‌دهند. خداوند می‌فرماید:

﴿فَاَحْكُم بَيْنَهُم اَوْ اَعْرِضْ عَنْهُمْ﴾

[یا] میان آنان [به حکم اسلام] داوری کن، یا از ایشان روی برتاب [و بگذار بر اساس احکام خاص خود عمل نمایند].

آن گونه که برخی گفته‌اند این احتمال با نص روایات سازگارتر است آن‌جا که می‌گوید: «برای اهل تورات با احکام تورات و برای اهل انجیل با احکام انجیل داوری می‌شود» (صدر، ۱۴۲۷:

باید توجه داشت که این برخورد با اهل کتاب نیز بر اساس تعالیم و دستورات دین مبین اسلام است. به عبارت دیگر یکی از دستورات دین اسلام این است که حاکم اسلامی اختیار دارد بین اهل کتاب طبق کتاب خودشان که به آن ایمان دارند قضاوت کند. و لذا با این دید، می‌توان گفت در این مورد هم دستور اسلام حاکمیت دارد.

وجود نظام‌های سیاسی مستقل و متفاوت نیز، خود می‌تواند مخمل صلح و امنیت باشد، همان‌طور که در جهان کنونی نیز شاهد آن هستیم؛ چرا که در صورت استقلال و جدایی، هریک از کشورها منافع و مصالح و همچنین مضار خود را خواهند داشت و در برخی موارد چه بسا بین منافع و مصالح کشورها تناقض و تضاد پیش بیاید، علاوه بر این که وجود حاکمان متعدد مستقل با اختلاف نظرات و سلیق و منافع، صلح و امنیت یک پارچه جهانی را به ارمغان نخواهد آورد. اما وقتی حکومت سیاسی واحد باشد، همه اهداف و چشم‌اندازها در راستای سیاست‌های تعیین شده واحد، اتخاذ شده و حرکت‌ها همه به همان سمت صورت می‌گیرد و چون مدیریت این جامعه بزرگ، در اختیار یک شخص واحد قرار دارد، تشتت آراء و اختلاف نظر و... به معنایی که در حکومت‌های مستقل متعدد وجود دارد، جایی برای طرح آن نیست، اما بروز استبداد و ظلم و طغیان‌گری به جهت انحصار قدرت در دست یک نفر، نیز از آن جهت که حضرت ﷺ از صفات ویژه‌ای چون عصمت، علم و... برخوردار است، پیش نخواهد آمد. در برخی از روایات نیز به این حقیقت اشاره شده است، به عنوان مثال در روایتی از حضرت رسول ﷺ نقل شده که ایشان می‌فرماید:

قلمرو حکومتی ایشان ﷺ شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت.^۱

همچنین مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که ایشان در خصوص حضرت حجت علیه السلام و اصحابش فرمودند:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عليه السلام عَلَى مَنبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا
عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۷۲)

گویی، قائم علیه السلام را می‌بینم که روی منبر مسجد کوفه نشسته و گردش را سبب و سبزه نفر

۱. وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۰).

به شمار جنگجویان بدر گرفته‌اند. آنان پرچم‌داران [سپاه قائم علیه السلام] و حاکمان خداوند بر روی زمین هستند.

همچنین بر جهانی بودن حکومت حضرت این‌گونه استدلال شده است که: جهانی شدن دولت امام علیه السلام، مقتضای برنامه کلی الهی است و بر اساس آیه شریفه ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي﴾؛ «جن و انس را نیافریدم جز آن که مرا بپرستند»، و آیات دیگر قرآن کریم، می‌توان استدلال نمود که هدف کلی از آفرینش، عبادت در معنای کامل، فراگیر و دقیق آن است که آن هم به نوبه خود به معنای تحقق عدالت مطلق در وجود فرد و جامعه است. این امر در جزئیات اوامر و نواهی الهی و راهنمایی‌های خداوند، جلوه‌گر است. بشریت روزگار درازبی را تحت برنامه کلی تربیت الهی به سر برده است تا شرایط تحقق آن هدف و ایجاد جایگاه شایسته برای وی فراهم آید. رهبری که برای عملی شدن آن هدف بزرگ ذخیره گردیده، حضرت مهدی موعود علیه السلام است؛ همو که همه ادیان آمدنش را مژده داده‌اند و اسلام نیز آن را بشارت داده است. این از آن روست که همه دین‌های آسمانی، در مسیر آن هدف سترگ قرار داشته و همگی به دنبال تحقق شرایط ظهور و تشکیل دولت جهانی آن حضرت هستند. از این رهگذر به روشنی معلوم می‌گردد که رفتار امام علیه السلام و رهبری و اهداف او در میان جامعه بشری، همان اهدافی است که خداوند بزرگ از آغاز آفرینش برای مخلوقاتش اراده فرموده است و آن، نتیجه تلاش‌های خستگی‌ناپذیر همه انبیا و اولیا و صالحان است و این یعنی، پیاده کردن عدالت کامل و پرستش و عبادت خالصانه در همه جوامع بشری؛ هم چنان که آیه کریمه نیز از آن سخن گفته است. البته نمی‌توان این هدف را درون دایره‌ای تنگ محصور ساخت و آن را ویژه یک گروه، جامعه و یا دولت دانست؛ زیرا همه مردم با خدا نسبتی برابر دارند. بنابراین، آن هدف نیز باید عمومی و فراگیر باشد. در این صورت طبیعی است از خود آیه استنباط نماییم که حکومت امام مهدی علیه السلام شامل همه انسان‌ها و در برگیرنده تمام جوامع بشری است (صدر، ۱۴۲۷: ۳۲۰-۳۲۱).

ه) آمادگی‌های تکنولوژی و ارتباطی

برای ایجاد و سپس کنترل یک نظام جهانی، یک سلسله وسایل مافوق مدرن لازم است که با آن بتوان جهان را در مدّت کوتاهی درنوردید و به همه جا سرکشی کرد؛ از همه جا آگاه شد؛ و در صورت نیاز امکانات لازم را از یک سوی جهان به سوی دیگر برد؛ و پیام‌ها و اطلاعات و

آگاهی‌های مورد نیاز را در کمترین مدت به همه نقاط دنیا رسانید.

اگر زندگی صنعتی به وضع قدیم بازگردد، و مثلاً برای فرستادن یک پیام از یک سوی جهان به سوی دیگر یک سال وقت لازم باشد، چگونه می‌توان بر جهان حکومت کرد و عدالت را در همه جا گسترد؟!

اگر برای سرکوب کردن یک فرد یا یک گروه کوچک متجاوز - که مسلماً حتی در چنان جهانی نیز امکان وجود دارد - مدّت‌ها وقت برای مطلع شدن حکومت و سپس مدّت‌ها وقت برای فرستادن نیروی تأمین کننده عدالت لازم باشد، چگونه می‌توان حقّ و عدالت و صلح را در سراسر دنیا تأمین کرد؟!

خلاصه، بدون شک چنین حکومتی برای برقرار ساختن نظم و عدالت در سطح جهان نیاز به آن دارد که در آن واحد از همه جا آگاه و بر همه جا تسلط کامل داشته باشد، تا مردم آماده اصلاح را تربیت و رهبری کند؛ آگاه سازد؛ زنده و بیدار نگه دارد؛ و چنان که افرادی ناصالح بخواهند سر برآورند آن‌ها را بر سر جای خود بنشاند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۸۳).

نکته‌ای که در پایان این بحث شایسته است بیان شود این است که تمام پیشرفت‌های علمی و فنی، همه در راستای یک هدف بزرگ که همان سعادت و تعالی بشر است، به کار گرفته می‌شود و لذا این دستاورد نیز مانند دیگر عناصر مذکور، به بهترین شکل ممکن به استقرار صلح و امنیت جهانی کمک می‌کند، به عبارتی دیگر با توجه به خصائص منحصر به فرد حضرت ﷺ و همچنین مدیران و مسئولان حکومتی حضرت، که از عالی‌ترین سطح تخصص و تعهد برخوردارند، کوچک‌ترین شائبه استفاده منفی از پیشرفت‌های علمی و صنعتی وجود نخواهد داشت.

و) یاران توانمند و امدادهای غیبی

یکی از شاخصه‌های مهم برای رسیدن یک حکومت به اهداف بزرگی چون صلح و امنیت، برخورداری آن حکومت از کادر و نیروهایی توانمند است. نیروهایی که هم از لحاظ اخلاقی از درجات بالایی برخوردار باشند و هم از لحاظ علمی و تخصص، قابل توجه باشند؛ چرا که بدون تردید هرچه مسئولین از تعهد و تخصص بالاتری برخوردار باشند، عملکرد بهتری خواهند داشت و در نتیجه رضایتمندی بیشتری را نیز به دنبال خواهد داشت و هرچه این شاخصه‌ها کم‌رنگ‌تر باشد، رضایتمندی مردم نیز کمتر خواهد بود و در نتیجه به تناسب آن، صلح و امنیت

نیز کم‌رنگ‌تر خواهد شد.

به همین جهت است که در روایات تأکید فراوانی روی یاران حضرت حجت علیه السلام شده است و از تعداد و همچنین احوالات و اوصاف آنان سخن به میان آمده است، به گونه‌ای که ظهور حضرت علیه السلام نیز متوقف بر تحقق آن یاران با آن اوصاف دانسته شده است و دستیابی حضرت علیه السلام به اهداف عالی قیامش با همراهی و همکاری آنان خواهد بود.

در روایات هم به ایمان و تقوای آنان اشاره شده است و هم به نحوی تخصص و آگاهی آنان مورد توجه واقع شده است. در روایتی فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت علیه السلام در مورد یاران حضرت حجت علیه السلام می‌فرماید:

مردانی هستند که دل‌های آن‌ها مانند پاره‌های آهن است شکی در ایمان به خدا در آن راه نیافته و در طریق ایمان از سنگ محکم‌تر است اگر آن‌ها را وادارند که کوه‌ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان برمی‌دارند... آن‌ها در جنگ‌ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می‌کنند، و هر کاری داشته باشد برایش انجام می‌دهند. مردانی در میان آن‌هاست که شب‌ها نمی‌خوابند زمزمه آن‌ها در حال عبادت همچون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغولند، و روزها سواره به دشمن حمله می‌کنند. آن‌ها در وقت شب راهب و هنگام روز شیرند. آن‌ها در فرمانبرداری امام بیش از کنیز نسبت به آفایش پافشاری دارند.^۱

ابن طاووس نیز در کتاب ملاحم در خصوص ویژگی‌های برخی از اصحاب به نقل از ابو بصیر می‌گوید امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

... این عده‌ای که قائم علیه السلام در میان آن‌ها می‌آید از نجباء و فقها و حکام و قاضی‌هائی هستند که مهدی علیه السلام بر شکم و پشت‌هایشان دست خواهد کشید، و از آن پس هیچ حکمی بر آن‌ها ناشناخته نخواهد ماند.^۲

البته باید توجه داشت که علاوه بر این که اصحاب حضرت علیه السلام از تعهد و تخصص بالایی برخوردارند، حضرت علیه السلام نیز آن‌ها را مورد لطف خود قرار داده و بر توانایی آن‌ها می‌افزاید

۱. رَجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنْ الْحَجَرِ لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا... رَجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيُّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدْوَى النَّخْلِ يَبِيبُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يُصْبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ زُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لُيُوثٌ بِالنَّهَارِ هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۰۷).

۲. بلی و لکن هذه العدة التي يخرج فيها القائم، و هم النجباء، و هم الفقهاء، و هم الحكماء، و هم القضاة الذين يمسح بطونهم و ظهورهم فلا يشكل عليهم حكم (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۸۰).

همان طور که در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت می‌فرماید:

هنگامی که قائم قیام کند در کشورهای روی زمین کسانی را بر می‌انگیزد، در هر سرزمین یک نفر را، و به او می‌گوید: فرمان تو در کف دست تو است، هرگاه کاری برای تو پیش آمد که آن را نفهمیدی و ندانستی چگونه در آن حکم کنی، به کف خود بنگر و به آن چه در آن (مکتوب) است عمل کن.^۱

اگرچه همان طور که گفته شد، حضرت حجت علیه السلام و همچنین یاران ایشان خصائص و ویژگی‌های منحصر به فردی را در جهت مدیریت و هدایت یک جامعه جهانی در مسیر کمال و سعادت دنیوی و اخروی دارا هستند، و اصل نیز بر این است که کل امور از مجرای طبیعی خود تحقق یابند، اما با این وجود به جهت اتمام حجت بر معاندان و مخالفان، در راستای انجام این هدف بزرگ، معجزاتی را نیز به نمایش می‌گذارد تا در مقابل معاندان و جنایت‌پیشه‌گان، حجت را تمام کرده باشد. همان طور که امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: هیچ معجزه‌ای از معجزات انبیا و اوصیا نیست، مگر این که خداوند تبارک و تعالی مانند آن‌ها را بر دست قائم علیه السلام ظاهر می‌گرداند تا بر دشمنان اتمام حجت کند.^۲

بدون شک اظهار معجزه می‌تواند جلوی خیلی از سوء تفاهم‌ها و انحرافات و همچنین دسیسه‌های دشمنان و بدخواهان را گرفته و در نتیجه نقش مهمی در برقراری صلح و امنیت ایفا نماید، که حضرت حجت علیه السلام به لطف خداوند از این توانایی و قدرت برخوردار بوده و بهره کافی و وافی را از این نعمت الهی در راستای تأمین صلح و امنیت جهانی خواهد برد.

نتیجه‌گیری

تحقق صلح و امنیت فراگیر و پایدار، متوقف بر یک سری شرایط اساسی است که این شرایط اگر محقق شود، این نتیجه مطلوب را به دنبال خواهد داشت، و در غیر این صورت، به تناسب ضعف و یا نبود آن شرایط، نتیجه آن نیز که صلح و امنیت است، کم رنگ و یا متزلزل خواهد بود. به تعبیری می‌توان این شرایط و شاخصه‌ها را به مهره‌های یک پازل تشبیه نمود که تصویر زیبای صلح و امنیت وقتی در جامعه متصور خواهد بود که هر یک از این شاخصه‌ها

۱. إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۹).

۲. ما من معجزة من معجزات الأنبياء والأوصياء إلا و يظهر الله تبارك و تعالی مثلها في يد قائمنا لإتمام الحجة على الأعداء (حر عاملی، ۱۴۲۵: ۳۲۸).

آن گونه که باید به آن پرداخته شده و تحقق یافته باشند، اما هر چه این شاخصه‌ها کم رنگ‌تر باشند، آن هدف - که عبارت است از انعکاس تصویر زیبایی صلح و امنیت - مبهم‌تر و متزلزل‌تر خواهد بود. این شاخصه‌ها برخی - همچون علم، عصمت، توانایی و صبر و شکیبایی - مربوط به شخص حضرت حجت علیه السلام است و برخی دیگر - وحدت دین، وحدت حاکمیت، اجرای عدالت در ابعاد مختلف آن، مربوط به نحوه حکومت و مدیریت و همچنین اولویت‌های ایشان در مقام اجراست و برخی شاخصه‌ها - همچون آمادگی‌های تکنولوژی و ارتباطی، اخلاص و توانمندی یاران و اصحاب - مربوط به جامعه و مردم عصر ظهور است. با وجود این شاخصه‌ها، بدون تردید صلح و امنیت تحقق خواهد یافت و این منحصر به عصر و دوران خاصی نیست اما از آن جا که تمام این شرایط به طور کامل تنها در عصر ظهور اتفاق خواهد افتاد، صلح و امنیت به معنای واقعی نیز دستاورد همان دوره است، اما این بدان معنا نیست که ما به طور کامل در عصر پیشاظهار از صلح و امنیت محروم هستیم، بلکه هر چه ما در جهت تحقق این شاخصه‌ها بیشتر تلاش کنیم و در رسیدن به آن‌ها موفق‌تر باشیم به همان اندازه نیز از امنیت و صلح برخوردار خواهیم بود و هر چه از این شاخصه‌ها دورتر شویم، صلح و امنیت نیز کم رنگ‌تر و ضعیف‌تر خواهد بود. به عبارت دیگر صلح و امنیت یک مقوله تشکیکی است که مصداق اکمل و اتم آن در عصر ظهور تحقق خواهد یافت، چون تنها در این عصر تمام این شاخصه‌ها به طور کامل و جامع تحقق خواهند یافت، اما در عصر غیبت نیز به میزان تلاش و موفقیت‌مان در تحقق این شاخصه‌ها، به صلح و امنیت دست خواهیم یافت.

منابع

- ابن طاوس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن المعروف بالملاحم والفتن، قم، مؤسسه صاحب الأمر علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- ابن فارس، ابو الحسین احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز، بنی هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
- اسد، معصومه (محقق و پژوهش گر آرژانتینی)، «صلح و عدالت»، مجموعه مقالات سمینار علمی، پژوهشی و بین المللی صلح، زنان، ادیان الهی، بی تا.
- امام صادق علیه السلام، جعفر بن محمد (منسوب به امام)، مصباح الشریعة، بیروت، اعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
- برزنونی، محمدعلی، اسلام، اصالت صلح یا جنگ، بی جا، بی نا، بی تا.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام)، قم، دار الكتاب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت - لبنان، دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت، اعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
- حسینی، هاجر (محقق و پژوهش گر امریکایی)، «راهی به سوی صلح»، مجموعه مقالات سمینار علمی، پژوهشی و بین المللی صلح، زنان، ادیان الهی، بی تا.
- خانی، علی عبدالله، «عدالت و امنیت»، فصل نامه علوم سیاسی، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۵.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان - سوریه، دار العلم - الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- شبلینجی، مؤمن بن حسن مؤمن، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار علیهم السلام، قم، منشورات الشریف الرضی، بی تا.
- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

- صاحب بن عباد، اسماعیل، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الكتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر فی امام الثانی عشر علیه السلام*، قم، مؤسسه السیده المعصومه علیها السلام، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- صدر، محمد صادق، *موسوعة الامام مهدی علیه السلام*، *تاریخ مابعد الظهور*، دارالکتب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۷ ق.
- صدوق، محمد بن علی، *الأمالی*، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
- _____، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
- _____، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران، اسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق.
- _____، *نثر الالائی؛ سخنان دربار امام علی علیه السلام*، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
- _____، *مصباح المتجهّد و سلاح المتعبّد*، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- عبدالرحمن محمود، *معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیة*، بی جا، بی نا، بی تا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- فیومی، احمد بن محمد مقرئ، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم، منشورات دار الرضی، چاپ اول، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الكافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- _____، *الكافی*، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.
- کیانی، علی اصغر، *در اندیشه حکومت برتر*، قم، انتشارات آیین محمد صلی الله علیه و آله، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- مصطفوی، حسن، *النحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
- مصلحی، حیدر؛ سید احمد سجادی، *مدیریت و امنیت*، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای

- حوزه علمیه، چاپ اول، بهار ۱۳۹۲ ش.
- مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۰ ش.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق.

